

عنوان مقاله:

فردوسی و نکوهش فلسفه

محل انتشار:

دو فصلنامه ادب فارسی، دوره 1، شماره 3 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

دکتر نقی فلاح نژاد - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هوایی شهید ستاری

خلاصه مقاله:

فردوسی در شاهنامه، فلسفه و فلاسفه را نکوهش میکند. آیا او با تفکر و تعقل مخالف بوده است؟ از شاهنامه چنین چیزی برنمیآید. او از مخاطبین خود میخواهد در پناه خرد زندگی کنند. پس نمیتواند با تفکر و تعقل مخالف باشد. آیا فلاسفه گروهی منسجم با عقایدی مشترکند؟ زمانه فردوسی چنین چیزی را تایید نمیکند. پس فردوسی در نکوهش فلاسفه کدام گروه از آنها را در نظر داشته است. حکیم طوس از فلاسفه غیر الهی که منکر مبدا و معاد بودهاند و نیز فلاسفهای که با اتکا به خرد بشری از دیگر منابع معرفتی استغنا میجستند، بیزاری میجوید. فردوسی در برابر کلمه فلسفه از کلمه حکمت استفاده میکند در تلقی فردوسی، فلسفه و حکمت مترادف نیستند، بلکه در تقابل با هم قرار دارند.

کلمات کلیدی:

ستایش حکمت، فردوسی، نکوهش فلسفه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1200096>

